

ادامه از صفحه اول

انتخابات استانی، اکثریتی یا تناسبی؟

توضیح آنکه به منظور دستیابی هرچه‌بیشتر به عدالت انتخاباتی و تحقق وزن برابر برای شهروندان نقاط مختلف کشور از منظر حق رأی و داشتن نماینده در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماد تحقق اراده ملی، روش‌های مختلفی به منظور طراحی یک پارلمان مناسب که نماینده‌ای واقعی از سلیاق و نظرات مختلف مردم کشور باشد، وجود دارد. یکی از این روش‌ها یا فرمول‌های انتخاباتی که در قوانین انتخابات ایران استفاده می‌شود، نظام انتخاباتی اکثریتی است؛ به گونه‌ای که پیروز انتخابات در هر حوزه انتخابیه لیست یا فردی است که اکثریت آرا را در آن حوزه به دست آورده باشد. مناسب‌بودن این فرمول در جهت تحقق مجلسی که واقعا نماینده آرا و سلیاق مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم باشد، منوط به تعیین حوزه‌های انتخاباتی کوچک است به گونه‌ای که کشورهایی مانند انگلستان که از این روش بهره می‌گیرند، حوزه‌های انتخابیه خود را الزاما به صورت تک‌کرسی یا تک‌نماینده طراحی کرده‌اند.در مقابل این روش، نظام انتخاباتی تناسبی قرار دارد که در آن صرفا فرد واجد بیشترین آرا به عنوان پیروز انتخابات در نظر گرفته نمی‌شود و کرسی‌های انتخاباتی به تناسب نصاب آرای کسب‌شده از سوی هر لیست انتخاباتی به آن لیست اختصاص می‌یابد. طبیعتا بهره‌گیری از نظام تناسبی در انتخابات نیازمند طراحی حوزه‌های انتخاباتی بزرگتر است تا بتوان بیش از یک کرسی در هر حوزه انتخابیه در نظر گرفت تا امکان تقسیم کرسی‌های هر حوزه میان سلیاق مختلف سیاسی که بخشی از آرای مردم را به خود اختصاص داده‌اند، وجود داشته باشد. تجربه کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای حوزه اروپای قاره‌ای که از این‌ روش بهره می‌گیرند، آن است که به منظور تحقق پارلمانی که هرچه‌بهر بهتر مظهر نمایندگی مردم باشد، باید حوزه‌های انتخابیه را در حد ممکن بزرگتر در نظر گرفت تا امکان تخصیص کرسی‌ها به احزاب و سلیاقی سیاسی کم‌طرفدارتر نیز وجود داشته باشد.با وجود چنین نکات ظریفی که ده‌ها مورد دیگر آن نیز در مباحث علمی پیرامون موضوع انتخابات مطرح است، متأسفانه طرح اصلاح قانون انتخابات به جواب کارشناسی و تأثیر و تأثری که ابعاد مختلف انتخابات روی یکدیگر دارند توجه نداشته و با وجود حفظ نوع نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به شیوه اکثریتی، اقدام به گسترده‌سازی و توسعه‌دادن محدوده حوزه‌های انتخاباتی کرده که این امر می‌تواند منجر به بدترشدن وضعیت موجود از منظر تحقق جازم و تخلفات انتخاباتی، کاهش ارتباط نمایندگان با مردم و افزایش لابی‌گری‌های نمایندگی در سطح استانی و مواجه‌شدن با وضعیت تک‌صدایی در مجلس شود. افزون‌ امکان مشارکت لیستی در نحوه اخذ رأی که در قالب تغییر در ساختار برگه رأی و نحوه شمارش آرا محقق می‌شود نیز ناظر بر یکی دیگر از ابعاد نظام انتخاباتی است که متأسفانه طرح حاضر به این موضوع نیز بدون توجه به ارتباطات میان ابعاد مختلف یک نظام انتخاباتی پرداخته است. در حقیقت طرح موجود با ایجاد این امکان و بدون درنظرگرفتن زیرساخت‌های لازم برای بهره‌گیری از روش‌های لیستی مانند لزوم وجود نظام حزبی مناسب، شفاف و قدرتمند و همچنین وجود مکانیسم اجرایی انتخابات سیستمی یا الکترونیک، قطعا موضوع انتخابات مجلس را بیش از پیش با مشکل مواجه خواهد کرد.

قانون‌گذاری با چاشنی شتاب‌زدگی

... بنابراین به نظر می‌رسد تا ابعاد موضوع به صورت دقیق برای قانون‌گذار و مجری مشخص نشده باشد، اقدام به قانون‌گذاری آن هم در موضوع مهمی نظیر تابعیت اقدامی غیراصولی و غیردقیق است.
سوم، موضوع این لایحه اعطای تابعیت ذاتی به فرزندانانی است با پدران خارجی و البته با نظام‌های حقوق تابعیت متفاوت کشورهای تابعه خود (برخی دوتابعیتی را پذیرفته‌اند و برخی دیگر تابعیت مرد را بر زن خارجی تحمیل کرده‌اند). مفهومی که در نظام حقوقی کشور به صورت سختگیرانه‌ای با آن برخورد شده است؛ به‌طوری‌که در قانون اساسی هیچ امکانی برای سلب تابعیت یک فرد ایرانی (اعم از ذاتی یا اکتسابی) از سوی هیچ مرجعی دیده نشده است و از سوی دیگر برخورد‌های سختگیرانه قانونی با افراد دوتابعیتی نیز پیش‌بینی شده است؛ بنابراین لایحه‌ای که با نظام حقوقی کشور در یک موضوع خاص نته‌ها همخوانی نداشته باشد؛ بلکه در تعارض جدی هم باشد، قطعاً در اجرا با مشکلات اساسی و جدی مواجه خواهد شد و ورود به آن مستلزم بازنگری اساسی در کل نظام حقوقی کشور درباره موضوعات تابعیت و مهاجرت است. در غیرآن صورت تصویب لایحه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با مردان خارجی مطالبه‌ای بی‌پاسخ از سوی نظام اجرایی کشور را موجب خواهد شد که به طور جدی به معضلات موجود در کشور خواهد افزود.
وقتی به این موضوع نگاه سختگیرانه موجود در قوانین کشور‌های اصلی هدف یعنی عراق و افغانستان را که سهم در خورتوجهی از ازدواج‌های زنان ایرانی را به خود اختصاص داده‌اند، اضافه کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که تصویب این لایحه نه‌تنها مشکلاتی را حل نخواهد کرد؛ بلکه در آینده مشکلات فراوانی را برای افراد مشمول این لایحه و نظام اجرایی کشور‌ها که فرد تابعیت آنها را به صورت ذاتی دارد، ایجاد خواهد کرد.
تابعیت به‌عنوان یک حق حاکمیتی باید در وزارتخانه‌های حاکمیتی نظیر کشور و امور خارجه و با رعایت تمام ملاحظات جانبی موضوع تنظیم شود.

مرضیه امیری؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از دولت، پیش‌نویس مصوبه‌ای را آماده کرده که بر مبنای آن، روش‌های تهاثری در مبادلات بین‌المللی از طریق ایجاد شرکت‌های مربوطه، برای خریدوفروش کالا و خدمات بدون انتقال پول مورد استفاده قرار گیرند.
قرار است سازمان توسعه تجارت به‌عنوان نماینده وزارت صنعت، معدن و تجارت صلاحیت و ضوابط ناظر بر ثبت و فعالیت شرکت‌های تهاثری ازجمله حداقل سرمایه آنها برای مبادلات بین‌المللی را تعیین کند و کمیته‌ای متشکل از وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت امور خارجه تشکیل شود تا اقدامات حمایتی لازم برای تسهیل فعالیت شرکت‌های تهاثری در کشورهای مقصد را انجام دهند.
ایزار بازار تهاثری را یک بار دیگر ایران در زمان جنگ هم تجربه کرده است؛ به‌طوری‌که دو بانک مرکزی کشور‌ها، کار واسطه‌گری را انجام داده و تهاثر را شکل می‌دادند، با این تفاوت که آن زمان تحریم وجود نداشت؛ اما اکنون عملا دولت به دلیل تحریم، ممکن است نتواند به صورت مستقیم وارد عمل شود.
هنوز مشخص نیست آیا شرکت‌های تازه‌ای در کشور‌های مقصد تأسیس می‌شود یا با مذاکره از امتیاز شرکت‌های موجود استفاده می‌شود؟ سهامداران این شرکت‌ها چه کسانی هستند، دولت یا بخش خصوصی یا اشخاص حقیقی جریان سوم وابسته به برخی نهاد‌ها؟ مبنای ارزش‌گذاری قیمت کالا‌ها در این شرکت‌های واسطه‌ای چیست؟ ضمانت‌های اجرایی و کنترل و نظارت بر بازگشت ارزش کامل کالا‌های صادراتی که این‌بار نه با ارز، بلکه با کالا قرار است به ایران وارد شوند، وجود دارد؟

۳ وزارتخانه مأمور ایجاد شرکت‌های تهاثری

به گزارش «شرق»، براساس پیش‌نویس مصوبه‌ای که وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرده است، استفاده از روش‌های تهاثری در مبادلات بین‌المللی کشور در قالب ضوابطی مجاز است. براساس این ضوابط، منظور از روش‌های تهاثری، مبادلاتی است که کالا‌ها، خدمات یا دارایی‌ها، بدون انتقال پول با استفاده از ابزارهایی نظیر برات به صورت دوجانبه یا چندجانبه معاوضه می‌شوند. براساس این شرکت‌های تهاثری به‌عنوان رکن اصلی بازار تهاثر، وظیفه ارائه خدمات تهاثری به اشخاص متقاضی را برعهده خواهند داشت؛ ضمن اینکه صلاحیت و ضوابط ناظر بر ثبت و فعالیت شرکت‌های تهاثری ازجمله حداقل سرمایه آنها برای مبادلات بین‌المللی نیز قرار است از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان توسعه تجارت ایران به نمایندگی از این وزارتخانه، تعیین شود که براساس این مقرر شده تا کمیته‌ای متشکل از وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت امور خارجه تشکیل شود.
این‌گونه که در دستورالعمل وزارت امور اقتصادی و دارایی آمده است، تعیین صلاحیت و ضوابط موضوع این ماده صرفا به مفهوم مجوز فعالیت شرکت‌های تهاثری برای مبادلات بین‌المللی بوده و تعهدات بین

اقتصاد

«شرق» ابعاد شرکت‌های تهاثری در دوران تحریم را بررسی می‌کند

ورود جریان سوم برای مقابله با تحریم



کنند؛ بنابراین باید دید چه سازوکاری برای شکل‌گیری این شبکه می‌توان شکل داد.

ورود جریان سوم برای اداره شرکت‌های تهاثری

مسعود دانشمند، دبیر کل خانه اقتصاد، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره مکانیسم کارایی شرکت‌های تهاثری توضیح داد: کارکرد شرکت‌های تهاثری اصولا بر این است که در مقابل کالا، کالا دریافت کنیم. ممکن است سهام یک شرکت خارجی را خریداری و با آن شرکت کار کنیم. یا شرکت جدید تأسیس کنیم. بنابراین شرکت تهاثری، یک شرکت بازرگانی است که کالا را از ما خریداری کرده و کالاهایی را که ما نیاز داریم از شرکت‌های دیگر خریداری کرده و نیاز وارداتی ما را تأمین می‌کند. پس نقش واسطه‌ای دارد. ما باید روند کار شرکت‌های تهاثری را تحت کنترل داشته باشیم و سهام این شرکت‌ها به دست کسانی باشد که مورد اطمینان هستند.

دانشمند اضافه کرد: اگر همه اختیارات به یک نفر داده شود، حتما فساد به وجود می‌آید. ممکن است منابع را صرف مقاصد دیگر کند یا به مقدار ارزشی که کالا فروخته است، به همان میزان کالا وارد نکند. بنابراین این شرکت‌ها باید تحت مدیریت چندین شخص حقیقی و حقوقی باشند. حالا اگر دولت بخواهد این نقش را ایفا کند، بلافاصله ریدایی می‌شود و شرکت در کشور مقصد تحت فشار آمریکا قرار می‌گیرد. بخش خصوصی می‌تواند این کار را انجام دهد اما باید مورد اعتماد دولت باشد و به عنوان نماینده دولت وارد عمل شود. به جز دولت و بخش خصوصی، جریان سومی نیز وجود دارد که اشخاص حقیقی این جریان ممکن است وارد کار شوند.

به گفته دانشمند، ارزش کالا‌ها برحسب ارزش بازار سنجیده می‌شود. این مدل معامله مبتنی بر کالا

با کالا نیست، بلکه یک واسطه از ما کالا را می‌خرد و الزاما همان شرکت کالا را به ما نمی‌دهد، بلکه ممکن است کالا را فروخته و به ارز تبدیل کرده و بعد کالای مورد نیاز ما را از شرکت‌های دیگر بخرد.

دبیر کل خانه اقتصاد تأکید کرد: ایجاد بازار تهاثری شدنی است، اما لازم است یک مؤسسه حقوقی در کشور مقصد به عنوان سهام‌دار شرکت بازرگانی شکل بگیرد و این مؤسسه سهام‌داران را انتخاب کند. بنابراین ایران به شرکت حقوقی اختیار می‌دهد و بعد مؤسسه حقوقی به نمایندگی خود سهام‌داران را انتخاب می‌کند.
دفاتر حقوقی بین‌المللی در همه جای دنیا مورد اعتماد هستند.

چرخاندن چرخ تجارت با ایجاد نقاط تاریک تجاری

کمیل طیبی، کارشناس اقتصاد بین‌الملل، هم در گفت‌وگو با «شرق»، در این باره معتقد است شرکت‌های تهاثری جزء گزینه‌های جدی ما برای عبور از تحریم است اما نحوه کار این شرکت‌ها بسیار مهم است چراکه ظرفیت ایجاد و توزیع رانت در این موضوع وجود دارد.

طیبی بیان کرد: ما در شرایطی این بحث را مطرح کرده‌ایم که شفافیت لازم و موردنیاز در فرایندهای اقتصادی وجود ندارد و از این جهت بار هزینه‌ای ایجاد می‌کند. یک‌سری شرکت‌ها به عنوان واسطه انتخاب می‌شوند اما به همین‌جا ختم نمی‌شود، بلکه در ادامه ممکن است رانتی ایجاد شود. یک بازار عرضه و تقاضا داریم، حالا اگر عواملی در این بازار دخالت کند، به نوعی کنترل از طریق بخش خارجی است. چون هزینه مبادله بالا رفته است، یک‌سری نقاط تاریکی در روابط تجاری ایجاد می‌شود که هم تاجر ایرانی و هم خارجی سخت می‌تواند به اطلاعات بازار دست پیدا کند. این شرکت‌های تهاثری باید شناسایی شوند اما حالا وقتی این شرکت‌ها به طرق مختلف به‌دلیل تحریم مجبور هستند مخفی بمانند، این اطلاعات به دست نمی‌آید. اما اگر این شرکت‌ها بتوانند نقش تسهیل‌کننده روابط را داشته باشند، منوط بر اینکه اطلاعات خود را در معرض بازار قرار دهند، می‌توان گفت نقطه مثبتی است.

او تأکید کرد: به واسطه تحریم انتقال منابع ارزی امکان‌پذیر نیست، شرکت تهاثری نقش واسطه‌گری مالی را می‌تواند ایفا کند، منوط به اینکه نقش دولت در آن دیده نشود. حتی عرضه و تقاضای منابع هم از طریق این شرکت‌ها ایجاد و بنابراین یک بازار سوم ایجاد می‌شود. یک بازار صادرکننده داریم و یکی هم بازار واردات است و حالا با این عامل سوم (شرکت‌های تهاثری) یک بازار سومی تشکیل می‌شود. دولت باید بتواند اطمینان و اعتماد صادرکنندگان را جلب کند که وارد این بازار شوند.
قطعا باید این شرکت‌های تهاثری، تضمین بانک مرکزی یا یکی از ارکان دولت را هم داشته باشد چراکه قرار است نقش بانک مرکزی را در دریافت و پرداخت وجه انجام دهند؛ پس باید ضمانت‌های لازم وجود داشته باشد و این شرکت‌ها تضمین شوند چراکه هزینه‌های این شرکت‌ها می‌تواند در قیمت تمام‌شده واردات و صادرات تأثیرگذار باشد.

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران بیان کرد: در وزارت صنعت، معدن و تجارت هم متأسفانه چشم‌اندازی مشخص بین مدیران و کارشناسان وجود ندارد. در اتاق دو سال است روی این موضوع کار کردیم که صنایع کوچک و متوسط باین‌دست نفت و پتروشیمی همچنین پالایش و فلزات و رقابت‌پذیر کنیم زیرا اصولا استراتژی کشور در این بخش اشتباه بوده است. بیشترین مقاومت برای اصلاحات در این حوزه‌ها از سوی مسئولان وزارت صنعت بود زیرا آنها فکر می‌کنند حمایت از صنعت یعنی حمایت از صنایع بزرگ شبه‌دولتی، طبیعتا چنین وزارتخانه‌ای نمی‌تواند حامی SME (واحدهای کوچک و متوسط) باشد. او ادامه داد: مدیران وزارت صمت را باید جمع کرده و آنها را با این مفاهیم آشنا کرد تا با نگاه ۲۰ سال گذشته به صنعت نگاه نکنند. موقعی که می‌گویم معافیت مالیاتی صادرات مواد پتروشیمی را حذف کنید تا پتروشیمی‌ها محصول خود را با قیمت برابر به صنایع داخلی بفروشند، وزارت صمت با این توجیه که به صنعت داخلی لطمه می‌خورد، در برابر این مسئله مقاومت می‌کند.
سلطانی افزود: این فهم ناقص است. پتروشیمی ما وصل به گاز است. اگر پتروشیمی بدون معافیت مالیاتی صادراتی، نمی‌تواند سربا باشد، باید کلد صنعت را تعطیل کنیم. اظهارات فعلی، اعتراف وزارت صنعت، معدن و تجارت به این است که هیچ صنعتی حتی فولاد و مس و پتروشیمی ما قدرت رقابت با دنیا را ندارد.

در این نشست گزارشی از نتایج طرح مطالعاتی «برنامه راهبردی توسعه صنایع صادراتی و رقابتی» ازسوی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز ارائه شد. بر اساس گزارش ارائه‌شده، روند توسعه ساختار صنعتی ایران با جهان هم‌خوانی ندارد. عوامل برنامه‌ریزی‌نشده به‌ویژه شوک‌های ارزی بر برنامه‌های توسعه‌بخش صنعت تأثیرگذار بوده است.
آلودگی‌های اعلامی توسعه صنعتی در برنامه‌های توسعه بسیار کلی بوده و استراتژی توسعه صنعتی کشور با آن مطبق نیست. در برنامه‌های توسعه صنعتی، ضعف ملاحظات آمایش سرزمین مشهود بوده و از توسعه خدمات تولید به تولید و خدمات محرک تقاضا برای تولیدات صنعتی (خدمات فنی و مهندسی) غفلت شده است.

همچنین مشکلات مفهومی در توسعه صنایع دانش‌بنیان و جریان محدود دانش در تولید مواد واسطه‌ای و مورد نیاز صنایع ساخت‌محور قابل شناسایی است. بر پایه مطالعه انجام‌شده، در اقی ۱۴۰۰ بر اساس سناریوهای مختلف، صنایع پالایشگاهی و شیمیایی رشد قابل توجهی خواهند یافت. سهم کشاورزی و صنایع غذایی در بخش صنعت کاهش خواهد یافت. صنایع معدن فلزی و کانی غیرفلزی رشد محدود خواهد یافت و سهم رشته فعالیت‌های ساخت‌محور کاهش یافته یا بدون تغییر باقی می‌ماند.

در این اقدام، سیاست‌های نفتی حفظ کند.
او می‌گوید: براساس اساسنامه اوپک، هماهنگ‌کردن سیاست‌های کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک، برای کسب درآمدی قابل‌اتکا از وظایف اوپک است. این سازمان همچنین وظیفه دارد عرضه را طوری تنظیم کند که منافع کشورهای مصرف‌کننده را هم تأمین کند. علاوه‌برآن، این سیاست‌ها باید طوری باشد که منافع کسانی که در این صنعت، سرمایه‌گذاری می‌کنند هم تأمین شود؛ در واقع اوپک وظیفه دارد به هر سه گروه توجه کند.

یارجانی در ادامه با اشاره به تجربه پیش از تشکیل اوپک نیز می‌گوید: در اساسنامه اوپک به قبل از تشکیل اوپک، هم اشاره شده که شرکت‌های نفتی، کشورهای صادرکننده نفت را تحریم می‌کردند و این سازمان ایجاد شد تا از کشور‌ها در مقابل شرکت‌های نفتی حمایت کند. این اقدام، در زمانی بود که یک کشور تلاش می‌کرد منافع خود را در مقابل شرکت‌های نفتی حفظ کند.

نماینده اسبق ایران در اوپک تصریح می‌کند: در اوپک، قدرت از آن کشورهایی است که بیشترین تولید و صادرات نفت را داشته باشند. با این اوصاف، ترکیب کنونی و قدرت اصلی در اوپک در اختیار کشور‌هایی است که با سیاست‌های ونزولا همسویی ندارند؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که اوپک صراحتا از ونزولا حمایت کند.

به گفته او، در برخی موارد کشور‌های عضو اوپک، در شرایط خاص، از نفت استفاده سیاسی هم کرده‌اند. برای نمونه وقتی آمریکا به عراق حمله کرد، اعضای شاخص اوپک تلویحا اعلام کردند اتفاقی برای بازار نفت نمی‌افتد و کشور‌های دیگر عضو اوپک، کمبودهای بازار را جبران می‌کنند که این اقدام، سیاسی‌کاری در اوپک را نمایان می‌کند.